

تاریخی و دینی آن حضرت را مورد بحث قرار داده که به جهت مصونیت قرآن کریم از تحریف، می توان آن مباحث را حقیقی و غیر قابل خدشه دانست.

در این نوشتار، مباحثی کوتاه درباره شخصیت تاریخی و دینی حضرت عیسی علیه السلام از منظر قرآن و نیز عهد جدید، ارائه خواهد شد.

زمان و مکان ولادت

عیسی علیه السلام

الف. دیدگاه قرآن کریم

زمان ولادت حضرت عیسی علیه السلام در قرآن کریم به درستی روشن نشده است و تنها می توان تولد وی را بعد از تولد حضرت یحیی علیه السلام دانست.

قرآن کریم درباره مکان ولادت آن حضرت می فرماید:

﴿ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهَا مَكَانًا قَصِيًّا ﴿۱﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنِيًّا ﴿۲﴾ ﴾ «سرانجام (مریم) به او باردار شد، پس با حمل خویش خود را به مکان دوردستی کنار کشید. درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند (آن قدر ناراحت شد که) گفت: ای کاش پیش از این می مردم و به کلی فراموش می شدم».

بنابراین نمی توان درباره مکان

دقیق تولد حضرت عیسی علیه السلام، از قرآن کریم مطلبی را به دست آورد.

ب. دیدگاه عهد جدید

در عهد جدید مسأله نامزدی حضرت مریم علیها السلام با مردی به نام یوسف مورد تأکید قرار گرفته است. بنا بر نقل انجیل متی و لوقا در ایام پادشاهی هیرودیس، یوسف که از خاندان داوود علیه السلام و اهل بیت لحم و



مقدمه

هر یک از پیامبران الهی، دارای ویژگی‌های خاص به خود بوده‌اند، اما حضرت عیسی علیه السلام به جهت تولد استثنایی از موقعیتی ویژه برخوردار است که این موضوع، موجب طرح مباحث فراوان از سوی خود جامعه مسیحیت و نیز پیروان دیگر ادیان به ویژه دین مبین اسلام شده است.

دین مسیحیت با حضرت عیسی علیه السلام پیوند عجیبی خورده است. معجزات شگفت‌آور آن حضرت در عصر خود نیز بازخوردهای متفاوتی را داشته و حتی در پاره‌ای موارد آموزه‌های او را تحت الشعاع قرار داده است. قرآن کریم به جهت آشنا ساختن حقیقت دینی و تاریخی حضرت عیسی علیه السلام، در آیات فراوانی شخصیت

اشاره

حضرت عیسی علیه السلام به عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم، جایگاهی ویژه در میان پیامبران یاد شده در قرآن کریم به خود اختصاص داده است. هدف از نگارش این تحقیق، بررسی اجمالی شخصیت تاریخی حضرت عیسی علیه السلام، کنزی بر رسالت و تعالیم آن حضرت و مقایسه آن با دیدگاه عهد جدید در این باره است. بر اساس این تحقیق، اگر چه درباره برخی از مطالب موجود در عهد جدید پیرامون حضرت عیسی علیه السلام در قرآن کریم نظریه‌ای دیده نمی شود؛ اما قرآن کریم در پاره‌ای موارد به ویژه مسأله تالیث مسیحیان به شدت موضع گیری و آن را محکوم کرده است.





کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟»

پس از اظهار شگفتی مردم از اشاره مریم علیها السلام، حضرت عیسی علیه السلام به اذن خداوند لب به سخن گشوده و فرمود:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۖ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَآوَصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۖ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَكَم يُجْعَلُنِي جَنَابًا شَقِيًّا ۖ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۗ﴾^(۸) «ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و گفت: من بنده خدایم، او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است و مرا هر جا که باشم، وجودی پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است و مرا نسبت به

پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی روان قرار داده است و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده تا رطب تازه‌ای بر تو فرو ریزد».

بنابر آیات قرآن کریم، همان منادی، ولادت عیسی علیه السلام را به حضرت مریم علیها السلام بشارت داده و وی را به روزه سکوت در مقابل مردم سفارش کرده است:

﴿فَكَلِمًا وَاشْرِيحَ وَ قَرَىٰ عَيْنًا ۖ قَامًا تَرَيْنَ مِنْ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِسَىٰ نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِلَّا سِيًّا ۗ﴾^(۹) «(از این غذای لذیذ) بخور و (از آن آب گوارا) بنوش و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار و هرگاه کسی از انسان‌ها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام. بنابراین، هرگز امروز با انسانی سخن نخواهم گفت».

حوادث پس از ولادت

قرآن کریم از گفتگوها و طعنه‌های مردم آن عصر نسبت به حضرت مریم علیها السلام پرده برداشته و می‌فرماید:

﴿فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِيلًا قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۖ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْمٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَيْتًا ۗ﴾^(۱۰) «(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد، گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی. ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره‌ای بود».

حضرت مریم علیها السلام نیز با اشاره به فرزندش از آن‌ها خواست که با وی سخن گویند:

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَرْحَامِ صَيًّا ۗ﴾^(۱۱) «(مریم) به او اشاره کرد، گفتند: چگونه با

مقیم ناصره بود، جهت شرکت در طرح الزامی سرشماری عمومی آن زمان به بیت لحم رفته و حضرت مریم علیها السلام نیز همراه او بود. عیسی مسیح علیه السلام در همان جا به دنیا آمد.^(۱۲)

حوادث هنگام ولادت دیدگاه قرآن کریم

تردیدی نیست که تولد حضرت عیسی علیه السلام، تولدی استثنایی و به امر خداوند بوده است. خداوند متعال در قرآن کریم، تولد حضرت عیسی علیه السلام را به آفرینش حضرت آدم علیه السلام تشبیه کرده و می‌فرماید:

﴿إِن مَثَلُ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۗ﴾^(۱۳) «مثل داستان عیسی در نزد خدا، همچون داستان آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: (انسان زنده) باش، پس شد».

بنابر آیات قرآن کریم، تولد حضرت مسیح علیه السلام با حوادثی غیر متعارف همراه بوده است که برخی از آن‌ها به پیش از ولادت و برخی دیگر به زمان پس از ولادت بر می‌گردد.

حوادث قبل از ولادت

حوادث قبل از ولادت حضرت عیسی علیه السلام در قرآن کریم، به این شرح است:

۱. گفتگوی یک منادی یا حضرت مریم علیها السلام و دلاری دادن به ایشان.
 ۲. جوشیدن چشمه آب گوارا از زیر پای آن حضرت.
 ۳. بارور شدن شاخه خشکیده نخل.
- ﴿فَتَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۖ وَ هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَلِيًّا ۗ﴾^(۱۴) «ناگهان از طرف پایین پایش او را صند زد که غمگین مباش،





مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می‌میرم و آن روز که زنده برانگیخته می‌شوم».

دیدگاه عهد جدید

ولادت حضرت عیسی علیه السلام در عهد جدید نیز همراه با حوالتی است که عبارتند از:

۱. ظهور ستاره مربوط به آن حضرت در مشرق

بنابر آیات انجیل متی، عده‌ای از مجوسیان نزد هیردوس پادشاه آمده و ابراز کردند که ستاره پیامبر متولد شده- ای را در مشرق دیده و برای پرستش او آمده‌اند. پادشاه موضوع را از علمای یهود پرسیده و پس از تأیید ادعای مجوسیان از سوی علمای یهود، مجوسیان به طور مخفیانه نزد پادشاه

دعوت شدند پادشاه آن‌ها را روانه بیت لحم کرد تا به جستجوی آن طفل پردازند و پادشاه را خبر کنند تا وی فیز او را بپرستند انجیل متی ادامه داستان را این چنین نقل می‌کند:

«چون سخن پادشاه را شنیدند، روانه شدند که ناگاه آن ستاره‌ای که در مشرق دیده بودند پیش روی ایشان می‌رفت تا فوق آنجایی که طفل بود، رسیده بایستاد و چون ستاره را دیدند، بی‌نهایت شاد و خوشحال گشتند و به خانه درآمده، طفل را یا مادرش مریم یافتند و به روی در افتاده، او را پرستش کردند و ذخایر خود را گشوده، هدایای طلا و کندر و مرزبه وی گذراندند»^(۱۰)

۲. نزول فرشته یهوه، همراه دیگر فرشتگان

یکی از حوادث زمان تولد حضرت عیسی علیه السلام، نزول فرشته یهوه بر شبانان و بشارت تولد آن حضرت بود. انجیل لوقا این واقعه را چنین شرح می‌دهد:

«و در آن نواحی شبانان در صحرا به سر می‌بردند و در شب، پاسبانی گله‌های خویش می‌کردند ناگاه فرشته یهوه بر ایشان ظاهر شد و کبریایی یهوه برگرد ایشان تأیید و به غایت ترسان گشتند فرشته ایشان را گفت:

مترسید؛ زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم خواهد بود که امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای که مسیح سرور باشد، متولد شد و علامت برای شما این است که طفلی در قنذاقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت. در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شد، خدا را

تسبیح کنان می‌گفتند: خدا را در اعلیٰ علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد؛ و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: الان به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و یهوه آن را به ما اعلام نموده است، ببینیم. پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند»^(۱۰)

والدین، خواهران و برادران حضرت عیسی علیه السلام

پاسخ به این سؤال که اعضای خانواده حضرت عیسی علیه السلام چه کسانی هستند، از موضوعاتی است که برای دریافت آن باید به سراغ قرآن و عهد جدید رفت.

الف. دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم فقط از حضرت مریم علیها السلام به عنوان مادر آن حضرت یاد کرده است. عظمت مقام حضرت مریم علیها السلام که نامش ۱۲۳ بار در قرآن کریم تکرار شده است، تنها از جهت مادری حضرت عیسی علیه السلام نیست؛ بلکه ظاهر آیات قرآن کریم گویای مقام عصمت وی نیز می‌باشد^(۱۱)

﴿يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾^(۱۲)

ب. دیدگاه عهد جدید

در باره هر یک از اعضای خانواده حضرت عیسی علیه السلام در عهد جدید آیاتی به چشم می‌خورد:

۱. پدر

از نظر مسیحیان، عیسی علیه السلام پسر خداست و پدر انسانی نداشته است. با این وجود عهد جدید از این واقعه پرده بر می‌دارد که در نگاه مردم پدر آن

حضرت، مردی به نام یوسف بوده است. انجیل لوقا پس از تعیین حدود سن پیامبری عیسی علیه السلام در سی سال، می گوید:

«خود عیسی وقتی که شروع کرد، قریب به سی ساله بود و حسب گمان خلق، پسر یوسف» (۱۳).

با وجود اینکه یوسف پدر حقیقی عیسی علیه السلام نبوده است، انجیل متی و لوقا هنگامی که در مقام بیان نسب نامه آن حضرت هستند از یوسف شروع کرده و به اسحاق و ابراهیم علیه السلام و سپس به حضرت آدم علیه السلام می رسد (۱۴).

یوسف مردی درستکار و پایبند به اصول اخلاقی بود که پس از آنکه حامله شدن حضرت مریم علیه السلام به وسیله روح القدس در زمان نامزدی او با یوسف صورت گرفت، برای در امان ماندن از تهمت های مردم در صدد چنانی از حضرت مریم علیه السلام بود که فرشته پهوه را در خواب دید. فرشته پهوه زندگی با مریم علیه السلام را به وی توصیه کرد. یوسف پس از تولد حضرت عیسی علیه السلام نام وی را نیز به توصیه فرشته پهوه، عیسی گذاشت. (۱۵)

۳. مادر

از نظر عهد جدید مادر حضرت عیسی علیه السلام، حضرت مریم علیه السلام باکره است. انجیل موجود تصویری از وی تا قبل از بارداری آن حضرت را ارائه نمی کنند.

مطابق با انجیل عهد جدید، حضرت مریم علیه السلام در آن هنگام که باکره، اما نامزد یوسف بود، با القای روح القدس باردار شد. وی در گفتگو با فرشته خدا که وی را بشارت به بارداری کرده بود، ترسان شده و گفت:

«این چگونه می شود و حال آنکه مردی را شناختم؟ فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند. از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد. نزد خدا هیچ امری محال نیست. مریم گفت: اینک کنیز پهوه ام. مرا بر حسب سخن تو واقع شود. پس فرشته از نزد او رفت» (۱۶).

۳. برادران و خوهران

طبق گفته انجیل متی، عیسی علیه السلام دارای خواهر و برادرانی بوده است. نام خواهران وی در عهد جدید بیان نشده است، اما برادران حضرت عیسی علیه السلام، یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نام داشتند (۱۷).

عهد جدید در مواردی بیانگر این حقیقت است که برادران حضرت عیسی علیه السلام به وی ایمان نیاورده بودند. (۱۸)

کودکی حضرت عیسی علیه السلام

الف. دیدگاه قرآن

قرآن کریم درباره دوران کودکی حضرت عیسی علیه السلام، غیر از حادثه گفتگوی وی با یهودیان در گهواره، سخنی نگفته است.

ب. دیدگاه عهد جدید

انجیل لوقا به طور مختصر برخی حوادث دوران کودکی حضرت عیسی علیه السلام را بیان کرده است که عبارتند از:

۱. نامگذاری وی به عیسی در روز هشتم و به هنگام ختنه ایشان.
۲. بردن وی به اورشلیم به جهت انجام رسومات دین حضرت موسی علیه السلام.



۳. ملاقات با مردی به نام شمعون که از پیش در انتظار ایشان بود.

انجیل لوقا در این باره می گوید: «و اینک شخصی شمعون نام، در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر وی بود و از روح القدس به او وحی رسیده بود که تا مسیح پهوه را نبینی، موت را نخواهی دید پس به راهنمایی روح به هیکل درآمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را به جهت او به عمل آورند، او را در آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده گفت: «الحال ای سرور، بنده خود را رخصت می دهی به سلامتی بر حسب کلام خود؛ زیرا که چشمان من، نجات تو را دیده است که آن را پیش روی جمیع امتها مهیا ساختی» (۱۹).





۴. ملاقات با زنی نبيه به نام حنا که دائم در مناجات با خدا بود وی نیز با دیدن آن حضرت به شکرگزاری خداوند پرداخت.

۵. برگشت به شهر ناصره و رشد و نمو حضرت عیسی علیه السلام.

۶. رفتن هر ساله به اورشلیم برای عید فصح.

۷. ناپدید شدن عیسی علیه السلام در اورشلیم در سن ۱۲ سالگی از چشمان یوسف و مریم علیهما السلام.

از این رو، هنگام بازگشت یوسف و مریم علیهما السلام به ناصره، عیسی علیه السلام بدون اطلاع به مادرش، در اورشلیم ماند یوسف و مریم یک روز پس از حرکت، وی را در میان قافله پیدا نکردند و به اورشلیم بازگشتند و بعد از سه روز او را در هیکل یافتند که در میان معلمان نشسته، سخنان ایشان را می شنود و از

ایشان سؤال می پرسد و هر که سخن او را می شنید، از فهم و جواب های او متحیر می شد.

انجیل لوقا ادامه ماجرا را این چنین شرح می دهند:

«پس مادرش به وی گفت: ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می کردیم. او به ایشان گفت: از بهر چه مرا طلب می کردید؟ مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟»^(۲۰)

A. رضایت خاطر مردم و خداوند از حضرت عیسی علیه السلام به هنگام رشد و نمو.

لوقا در این باره می گوید: «و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می کرد»^(۲۱)

نبوت و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام
درباره نبوت و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام مباحثی وجود دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

الف. زمان نبوت
ظاهر آیات قرآن کریم دلالت بر نبوت حضرت عیسی علیه السلام در کودکی دارد:^(۲۲)

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْمِرِ صَبِيًّا﴾ قَالَ إِيَّاهُ عَبْدُ اللَّهِ أَنَا أَنَا الْكِتَابُ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا^(۲۳)؛ «مریم به سوی عیسی اشاره نمود (یعنی از خود طفل سؤال کنید تا به شما جواب بدهد)، گفتند: ما چگونه با بچه ای که در گهواره است، صحبت کنیم؟ ناگهان عیسی علیه السلام گفت: در حقیقت من عید خداوند

هستم. به من کتاب داده و مرا پیغمبر قرار داده است».

البته نبوت با رسالت متفاوت است، از این رو علامه طباطبایی رحمته الله علیه و برخی دیگر از مفسران یا استناد به برخی روایات، رسالت حضرت عیسی علیه السلام را در زمانی غیر از کودکی او دانسته اند.^(۲۴)

ب. تأیید نبوت و رسالت حضرت عیسی علیه السلام
بر اساس آیات قرآن کریم، حضرت عیسی علیه السلام علاوه بر مقام نبوت، مقام رسالت را نیز دارا بود:

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَاتِنَا بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾^(۲۵)؛ «بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم، از آنان کسی هست که خدا با او سخن گفت و بعضی را چندین درجه بالا برد و به عیسی بن مریم، نشانه های روشن دادیم و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم».

ج. کتاب آسمانی
قرآن کریم تصریح می کند که حضرت عیسی علیه السلام دارای کتابی آسمانی به نام انجیل بوده است:

﴿وَ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۲۶)؛ «و به دنبال آن ها [پیامبران پیشین] عیسی بن مریم را فرستادیم، در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود، تصدیق می کرد و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را که





﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾^(٢٨)؛ «آن‌ها که گفتند: خداوند همان مسیح فرزند مریم است، به یقین کافر شدند و حال آنکه خود مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را که پروردگار من و شماست، پرستش کنید، مسلماً هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام سازد و جایگاه او دوزخ است و ستمکاران، یار و یاورى ندارند».

در مواردی نیز قرآن کریم به طور کلی اندیشه تثلیث را باطل دانسته و عذاب دردناک را سرانجام پیروان این اندیشه معرفی کرده است:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(٢٩)؛ «آن‌ها که گفتند: خداوند، یکی از سه خداست، به یقین کافر شدند. معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آن‌ها (که روی این عقیده ایستادگی کنند) خواهد رسید».

در برخی موارد نیز قرآن کریم با غلو دانستن اندیشه الوهیت حضرت عیسی علیه السلام، بر جنبه رسالت وی تأکید می‌کند:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَ لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ﴾^(٣٠)؛ «ای اهل کتاب، در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید و درباره

قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود».

بر اساس این آیه، کتاب آسمانی انجیل هدایت بخش متقین و نیز تصدیق کننده تورات بوده است.

د. تأکید بر رسالت حضرت عیسی علیه السلام در مقابل اندیشه خدایی آن حضرت

قرآن کریم در مقابل اندیشه الوهیت حضرت عیسی علیه السلام موضع گیری شدیدی دارد و به دفعات این اندیشه را مردود اعلام کرده، به گونه ای که در برخی موارد این اندیشه را کفر به خدای تعالی معرفی کرده است:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُنْزِلَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أَنَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا يَنْتَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(٣١)؛ «آن‌ها که گفتند: خدا، همان مسیح فرزند مریم است، به طور مسلم کافر شدند بگو: اگر خدا بخواهد مسیح فرزند مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی در برابر خدا مالک چیزی است، حال آنکه مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می‌آفریند و خدا بر همه چیز تواناست».

در برخی موارد نیز این اندیشه را افزون بر کفر، مساوی با شرک نسبت به خدای تعالی نیز دانسته است که سزای آن دوری از بهشت و سکنی گزیدن در جهنم است:

خدا، غیر از حق نگوید. مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا است».

قرآن کریم در برخی آیات خود از حقیقتی دیگر در زمان عیسی علیه السلام پرده برمی‌دارد که همان اعتقاد برخی از مردم نسبت به الوهیت حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیه السلام بوده است:

﴿وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ مَا آتَيْتَ لِلنَّاسِ آثُخُذُونِي وَ أُمَّيْ الْهِنِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ أَنْ كُنْتُ قَلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَقَلُّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾^(٣٢)؛ «و هنگامی که خدا گویند: ای عیسی بن مریم، آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بنه عنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟ او گویند: منزهی تو! من حق ندارم





دلایل روشن دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم».

مفسران بزرگ درباره روح القدس، تفسیرهای گوناگونی دارند:

۱. برخی گفته‌اند منظور جبرئیل است. ^(۳۳) شاهد این سخن آیه ۱۰۲ سوره نحل است: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾؛ «بگو روح القدس، آن (قرآن) را از جانب پروردگارت به حقیقت بر تو نازل کرده است».

اما چرا جبرئیل را روح القدس می‌گویند؟ زیرا جنبه روحانیت در فرشتگان مسأله روشنی است و اطلاق کلمه «روح» بر آن‌ها کاملاً صحیح است و اضافه کردن آن به «القدس» اشاره به پاکی و قداست فوق العاده این فرشته است. ^(۳۴)

۲. بعضی دیگر معتقدند «روح القدس»، همان نیروی غیبی است که عیسی ^{علیه السلام} را تأیید می‌کرد و با همان نیروی مرموز الهی مردگان را به فرمان خدا زنده می‌نمود. ^(۳۵)

البته این نیروی غیبی به صورت ضعیف‌تر در همه مؤمنان با تفاوت درجات ایمان وجود دارد و همان امدادهای الهی است که انسان را در انجام طاعات و کارهای مشکل کمک می‌کند و از گناهان باز می‌دارد. از این رو در بعضی از احادیث می‌خوانیم که پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} در وصف حسان بن ثابت - از شعرای صدر اسلام - فرمود:

«لن يزال معك روح القدس ما ذببت عنا» ^(۳۶)؛ ای حسان مادام که با اشعارت از ما دفاع کنی، روح القدس با تو است».

۳. بعضی از مفسران نیز روح القدس را به معنی «انجیل» تفسیر

کرده‌اند؛ ولی دو تفسیر اول نزدیک‌تر به نظر می‌رسد. ^(۳۷)

و. معجزات حضرت عیسی ^{علیه السلام}

پیامبران الهی برای تصدیق و اقتناع مردم ناگزیر به ارائه معجزه هستند قرآن کریم معجزات حضرت عیسی ^{علیه السلام} را اموری همچون زنده کردن مردگان به اذن خداوند، خیر دادن از آنچه که مردم در خانه‌هایشان داشتند، ساختن کبوتر گلی و دمیدن روح در آن و شفای بیماران به اذن خداوند معرفی می‌کند:

﴿... أَنَّى قَدَّ جَشْتِكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنَّى أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنفَخَ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرَى الْأَكْمَسَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَحْيَى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُتِيَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ^(۳۸)؛ «من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام، من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم، سپس در آن می‌دمم و به اراده خدا، پرنده‌ای می‌گردد و کور مادرزاد و مبتلابان به برص (پیسی) را بهبود می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم، مسلماً در این‌ها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید».

بر اساس آیات قرآن کریم، مردم آن عصر از دیدن معجزات حضرت عیسی ^{علیه السلام} متعجب شده و چنین اعمالی را سحر می‌دانستند:

﴿... فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ ^(۳۹)؛ «پس کسانی از آن‌ها که کفر ورزیده بودند، گفتند:

آنچه را که شایسته من نیست، بگویم. اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو را می‌دانستی. تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم. به یقین تو از تمام اسرار با خبری».

ه. تأیید به وسیله روح القدس

در مجموع، در قرآن کریم چهار بار از موجودی به نام «روح القدس» سخن به میان آمده است که در سه بار آن به عنوان مؤید حضرت عیسی ^{علیه السلام}، از او یاد شده است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾ ^(۴۰)؛ «و ما به موسی کتاب دادیم و بعد از او، فرستادگانی را پشت سر هم فرستادیم و به عیسی بن مریم



این (معجزات) چیزی جز سحر آشکار نیست.»

همچنین قرآن کریم از معجزه‌های دیگر برای حضرت عیسی علیه السلام سخن می‌گوید که همان نزول سفره‌ای آسمانی به درخواست حواریون از حضرت عیسی علیه السلام بوده است:

﴿إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَنَطْمِئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَكُنْ عَلَيْنَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَبإِيِّ أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾﴾ «زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم، آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟ او (در پاسخ) گفت: از خدا پروا کنید، اگر با ایمان هستید. گفتند: می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌های ما مطمئن گردد و بدانیم به ما راست گفته‌ای و بر آن، گواه باشیم. عیسی بن مریم عرض کرد: خداوند! ای پروردگار ما! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست تا برای ما، برای اول و آخر ما عیدی باشد و نشانه‌ای از جانب تو و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی. خداوند (دعای او را مستجاب کرد و) فرمود: من آن را بر شما نازل می‌کنم، پس هر کس از شما بعد از آن کافر گردد، او را مجازاتی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم.»

زه عیسی علیه السلام مروج یکتا پرستی

نخستین هدف حضرت عیسی علیه السلام همچون سایر انبیای الهی، دعوت به یکتا پرستی و مبارزه با کفر و شرک است. قرآن کریم در این باره از زبان آن حضرت می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿١٦١﴾﴾؛ «همانا خداوند پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید که این همان راه راست است.»

در ادامه این آیات از حساسیت حضرت عیسی علیه السلام نسبت به کفر و ورزیدن مردم سخن به میان آورده می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾﴾؛ «هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: کیست که یاور من به سوی خدا گردد؟ حواریان گفتند: ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آوردیم و تو گواه باش که ما تسلیم شدگانیم.»

ط. عیسی علیه السلام تصدیق کننده کتب آسمانی

مطابق با آیات قرآن کریم، برخی تعالیم حضرت عیسی علیه السلام اختصاص به تأیید کتب آسمانی انبیای پیشین به ویژه تورات داشته است:

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ... ﴿١٦٣﴾﴾؛ «و به دنبال آن‌ها (پیامبران پیشین)، عیسی بن مریم را فرستادیم، در حالی که کتاب تورات را که پیش از



او فرستاده شده بود تصدیق می‌کرد و او را انجیل دادیم که در آن هدایت و نور بود و آن نیز تصدیق کننده تورات پیش از خود بود.»

ح. عیسی علیه السلام بشارت دهنده به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

بر اساس آیات قرآن کریم، بخشی از تعالیم حضرت مسیح علیه السلام معرفی پیامبر آینده بوده است:

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَأَوْحِيَنَا إِلَيْكُمْ الْفُرْقَانَ قَدْ جَاءَكُمْ هُودٌ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٧٠﴾﴾؛ «(به یاد آورید) هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم، در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده که





تورات باشد، می‌باشم و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است، می‌باشم. هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری آشکار است».

نبوت و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام در عهد جدید
 عهد جدید نیز به دفعات از نبوت حضرت عیسی علیه السلام سخن به میان آورده است و چنین امری را مسلم انگاشته است. (۴۵)

السف، آغاز نبوت حضرت عیسی علیه السلام
 بر اساس آنچه که در عهد جدید آمده است، حضرت عیسی علیه السلام نبوت خود را در سنی حدود سی سالگی شروع کرد. (۴۶) در دیگر عبارات عهد جدید شروع نبوت ایشان پس از تعمید

یافتن به وسیله حضرت یحیی علیه السلام معرفی شده است. پایان تعمید آن حضرت، مقارن با شنیدن آوازی از آسمان که می‌گفت: «تو پسر حبیب من هستی که به تو خوشنودم» و نیز نزول روح بر وی بوده است. آن‌گاه به مدت چهل روز در بیابان، از امتحاناتی سخت با موفقیت بیرون آمده و با بازگشت به شهر جلیل، موعظه مردم را آغاز کرد. (۴۷)

ب. روح القدس
 در کتاب قاموس کتاب مقدس، چنین می‌خوانیم: «روح القدس، اقنوم سوم از اقانیم ثلاثه الهیه خوانده شده است و آن را «روح» گویند؛ زیرا که مبدع و مخترع حیات می‌باشد و مقدس گویند، به واسطه اینکه یکی از کارهای مخصوص او آنکه، قلوب مؤمنین را تقدیس فرماید و به واسطه علاقه‌ای که به خدا و مسیح دارد او را «روح الله» و «روح المسیح» نیز می‌گویند».

تفسیر دیگری که در این کتاب آمده این است که:
 «اما روح القدس که تسلی‌دهنده ما می‌باشد، همان است که همواره ما را برای قبول و درک راستی و ایمان و اطاعت ترغیب می‌فرماید و او است که اشخاصی را که در گناه و خطا مرده‌اند، زنده می‌گرداند و ایشان را پاک و منزه ساخته، لایق تمجید حضرت واجب الوجود می‌فرماید».

در این عبارات قاموس کتاب مقدس، به دو معنی اشاره شده است: یکی اینکه روح القدس یکی از خدایان سه‌گانه است که این موافق عقیده تثلیث است، همان عقیده شرک‌الوادی که آن را از هر نظر مردود می‌دانیم و

دیگری شبیه دومین تفسیری است که در بالا ذکر کردیم.

ج. معجزات حضرت عیسی علیه السلام

برای حضرت عیسی علیه السلام در عهد جدید معجزاتی بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. زنده کردن مردگان. (۴۸)
 ۲. شقای بیماری‌هایی همچون جزام، نایبایی، فلج و ... بودند. (۴۹)

۳. آرام شدن طوفان به امر حضرت عیسی علیه السلام. (۵۰)

۴. برکت دادن به نان و ماهی به گونه‌ای که با پنج نان و دو ماهی جمعیتی بالغ بر پنج هزار نفر سیر شده و دوازده سبد نیز از غذا پر شد. (۵۱)
 ۵. راه رفتن روی آب. (۵۲)

۶. خشک شدن درخت انجیر به گفتن این جمله «از این به بعد میوه تا به ابد بر تو نشود». (۵۳)

۷. شراب کردن شش خمره آب در جریان یک عروسی در قانای جلیل. (۵۴)

نکته مهم در این معجزات این است که بر اساس نقل عهد جدید دلیل اقامه این معجزات از سوی حضرت عیسی علیه السلام، تنها دلسوزی و ترحم نسبت به بیماران و یا دیگر افراد است، ضمن این که سخنی از اینکه این معجزات به اذن خداوند متعال است، به میان نیامده است.

تصلیب حضرت عیسی علیه السلام
 از جمله مسائل بسیار مهم در زندگانی حضرت عیسی علیه السلام، بحث از تصلیب ایشان است.

الف. دیدگاه قرآن
 قرآن کریم به صراحت مسأله به



صلیب کشیدن حضرت عیسیٰ علیه السلام را رد می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّا مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٨﴾﴾؛ «و

گفتارشان که ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم، در حالی است که او را نکشتند و بسر دار نیاویختند، لکن امر بر آن‌ها مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است».

درباره این دو آیه علامه طباطبایی رحمته الله علیه بر این باور است که وجه اینکه قرآن کریم علاوه بر نفی قتل از حضرت عیسی علیه السلام، مسأله تصلیب را هم رد کرده است، این است که تصلیب، نوعی مجازات زجرآور و سخت است که تلازمی با قتل ندارد، از این رو خداوند متعال افزون بر نفی قتل، تصلیب را هم از ایشان نفی کرده است. ^(۵۶)

از نظر قرآن کریم، مخالفان حضرت عیسی علیه السلام فرد دیگری را که شبیه آن حضرت بود، به اشتباه گرفته و به دار آویختند و خداوند آن حضرت را به آسمان و نزد خود برده است. در این باره از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «آخرین شبی که حضرت عیسی علیه السلام در جمع شاگردان خود بود،

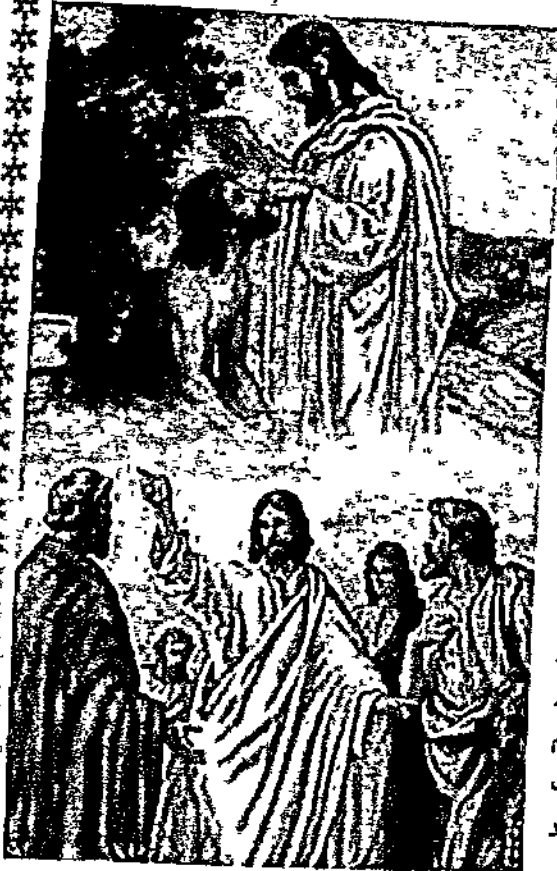
خطاب به ایشان گفت که کدام یک از شما قبول می‌کند که شیخ من بر او انداخته شود و به جای من به صلیب کشیده شود، اما با من هم درجه باشد» ^(۵۷).

پ. دیدگاه عهد جدید

عهد جدید ماجرای تصلیب حضرت عیسی علیه السلام را به تفصیل بیان کرده و آن را مسلم می‌داند. به گفته عهد جدید مأموران رومی جامه‌ای قرمز بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافته بر سرش گذاردند، آنگاه با حالتی مسخره‌آمیز به او گفتند: «سلام ای پادشاه یهود».

آن‌ها با نوبی بر سر او زدند، آب دهان بر وی می‌انداختند، به حالت مسخره در مقابل او زانو زده و به او تعظیم می‌نمودند. آن‌ها به آن حضرت شراب مخلوط با سبزیجات تلخ دادند تا بنوشد و درد شکنجه کمتر شود، اما وی قبول نکرد. آن‌ها آن حضرت را در میان دو شخص مجرم دیگر به صلیب کشیدند. سایرین او را دشنام داده و پسر خود را جنانده می‌گفتند: «هان ای کسی که هیکل را خراب می‌کنی و در سه روز آن را بنا می‌کنی، از صلیب به زیر آمده، خود را برهان»، بر اساس آنچه که در عهد جدید آمده است، پس از به صلیب کشیدن آن حضرت، سربازان لباس او را تقسیم کردند و قرعه بر آن افکندند تا سهم هر یک مشخص شود.

وقتی که هوا تاریک شد، عیسی با صدای بلند گفت: «ای الهی الهی، چرا مرا واگذار می‌کنی؟» و پس از لحظاتی جان داد. رستاخیز و صعود عیسی علیه السلام از جمله مباحث مورد بحث در قرآن و عهدین، مسأله رستاخیز یا صعود حضرت عیسی علیه السلام است.



الف. دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم که به طور کلی، اندیشه تصلیب حضرت عیسی علیه السلام را رد و در مقابل، مسأله صعود آن حضرت به نزد خداوند را مطرح کرده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّا مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٨﴾﴾؛ «و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است».

بنابراین اصل بالا بردن حضرت عیسی علیه السلام نزد خدا امری مسلم است، همچنین ظاهر این آیه دلالت بر صعود



تکمیل کردن چیزی است و اینکه عمل به عهد و پیمان را وفا می‌گویند. به خاطر تکمیل کردن و به انجام رسانیدن آن است. به همین دلیل اگر کسی طلب خود را به طور کامل از دیگری بگیرد، عرب می‌گویند: توفی دینه؛ یعنی طلب خود را به طور کامل گرفت.

در آیات قرآن نیز «توفی» به معنی گرفتن به طور مکرر به کار رفته است، مانند:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَ يَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ﴾^(۹۱)؛ «او کسی است که روح شما را در شب می‌گیرد و از آنچه در روز به دست آوردید، آگاه است».

در این آیه مسأله خواب به عنوان توفی روح ذکر شده، همین معنی در آیه ۴۲ سوره زمر و آیات دیگری از قرآن نیز آمده است. البته واژه توفی، گاهی به معنی مرگ آمده و متوفی به معنی مرده است، ولی حتی در این‌گونه موارد نیز در حقیقت به معنی مرگ نیست؛ بلکه به معنی تحویل گرفتن روح می‌باشد و به طور کلی در معنی توفی، مرگ نیست و ماده فوت از ماده وفی به کلی جدا است.^(۹۲)

ب. دیدگاه عهد جدید

ماجرای رستاخیز حضرت عیسی علیه السلام در اواخر هر چهار انجیل عهد جدید و با روایت‌هایی متفاوت آمده است که خلاصه آن چنین است: «پس از آنکه مردی به نام یوسف از سیلاطس حاکم، اجازه دفن عیسی علیه السلام را گرفت و او را به خاک سپرد، برخی از زنان پیرو حضرت عیسی مانند مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب به رسم قوم یهود برای تدفین

بیکر حضرت عیسی علیه السلام به مزار او آمدند. در این هنگام زلزله‌ای آمده و فرشته یهوه به زمین نازل شد و خیر از زنده شدن و برخاستن حضرت عیسی علیه السلام از درون قبرش داد. آن‌ها به توصیه فرشته یهوه نزد شاگردان آن حضرت رفته و آن‌ها را آگاه ساختند.

البته در انجیل یوحنا آمده که مریم مجدلیه بر سر قبر آمد و دید که سنگ قبر کنار رفته است. به سرعت نزد یوحنا و شمعون و پطرس رفته و آن‌ها را آگاه ساخت. پس از ماجراهایی، شاگردان حضرت عیسی علیه السلام با آن حضرت دور هم جمع شده و حضرت به ایشان چنین فرمود:

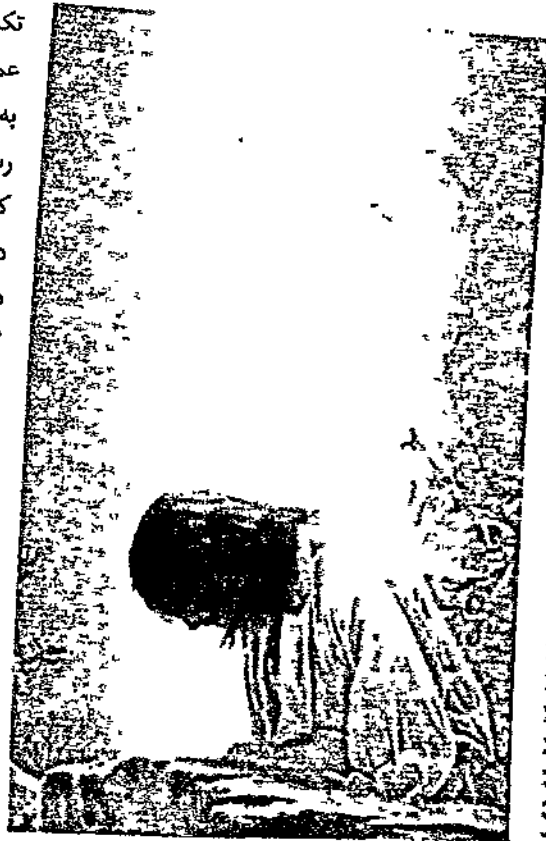
«تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است، پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تمعید دهید»^(۹۳).

بر اساس انجیل مرقس، فرمود:

«در تمام عالم بروید و جمیع خلاق را به انجیل موعظه کنید هر که ایمان آورده، تمعید یابد، نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد، بر او حکم خواهد شد و این آیات همراه ایمان‌داران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری به ایشان نرساند و هرگاه دست‌ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت». بر اساس انجیل مرقس، حضرت عیسی علیه السلام پس از این جلسه به سوی آسمان رفته و کنار دست راست خدا نشست.^(۹۴)

نتیجه بحث

در مجموع مطالب گذشته را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:



جسمانی و روحانی حضرت عیسی علیه السلام دارد و گرنه صعود روحانی انسان‌ها پس از مردن که امری همگانی است.^(۹۵)

همچنین قرآن کریم در آیه‌ای دیگر در این باره می‌فرماید:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْخُرْكَ إِلَىٰ وَ مَطَهَّرْكَ مِنَّا الَّذِينَ كَفَرُوا﴾^(۹۶)؛ «و (به یاد بیاور)

هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی، همانا من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم».

ممکن است کسی از این آیه چنین برداشت کند که واژه «متوفیک» دلالت بر مردن حضرت عیسی علیه السلام دارد. در پاسخ باید گفت که ماده «فوت» به معنی از دست رفتن است، ولی «توفی» (بر وزن ترقی) از ماده «وفی» به معنی





۱. بر اساس قرآن کریم، زمان و مکان ولادت حضرت عیسی علیہ السلام روشن نیست؛ اما بر اساس عهد جدید، حضرت عیسی علیہ السلام در عصر پادشاهی هیردوس و در شهر بیت لحم به دنیا آمد.

۲. بر اساس آیات قرآن کریم، ولادت حضرت عیسی علیہ السلام همراه با حوادثی شگفت‌انگیز از جمله جوشیدن چشمه از زیر پای حضرت مریم علیها السلام، خرما دادن شاخه خشک شده درخت خرما و سخن گفتن در گهواره با مردم بوده است؛ در حالی که بر اساس عهد جدید ولادت حضرت عیسی علیہ السلام، همراه با طلوع ستاره‌ای خاص در آسمان و نزول فرشته یهوه بر مردم بشارت مردم به تولد آن حضرت بوده است.

۳. قرآن کریم حضرت عیسی علیہ السلام را فردی بدون پدر دانسته و سخنی از برادران و خواهران وی به میان نیاورده است، اما عهد جدید حضرت عیسی علیہ السلام را دارای برادران و خواهرانی معرفی کرده و نام برادران ایشان را نیز روشن کرده است.

۴. قرآن مجید از کودکی حضرت عیسی علیہ السلام همان سخن گفتن وی با مردم در گهواره را یادآور شده است، اما عهد جدید کودکی آن حضرت را تشریح کرده است و برخی از اتفاقات آن را بیان می‌کند.

۵. بر اساس ظاهر آیات قرآن کریم، آغاز نبوت حضرت عیسی علیہ السلام از همان کودکی بوده است، اما عهد جدید آغاز نبوت ایشان را حدود سی سالگی می‌داند.

۶. برخی معجزات حضرت عیسی علیہ السلام در قرآن کریم و عهد

جدید، مشترک و برخی دیگر متفاوت است.

۷. تصلیب حضرت عیسی علیہ السلام در قرآن کریم انکار شده است، اما عهد جدید آن را از مسلمات می‌پندارد.

۸. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال حضرت عیسی علیہ السلام را به نزد خود برده است، اما عهد جدید از رستاخیز و برخاستن وی از قبر و آنگاه نشستن کنار دست خداوند، سخن می‌گوید.

پی نوشت:

۱. مریم (۱۹): ۲۲ و ۲۳.
۲. متی ۱: ۲ و لوقا ۲: ۱ - ۷.
۳. آل عمران (۳): ۵۹.
۴. مریم (۱۹): ۲۴ و ۲۵.
۵. همان: ۲۶.
۶. همان: ۲۷ و ۲۸.
۷. همان: ۲۹.
۸. همان: ۳۳ - ۳۰.
۹. انجیل متی ۱: ۲ - ۱۱.
۱۰. انجیل لوقا ۳: ۸ - ۱۶.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۳، ص ۱۸۸.
۱۲. آل عمران (۳): ۴۳.
۱۳. انجیل لوقا ۳: ۳۳.
۱۴. انجیل متی ۱: ۱ - ۱۷ و لوقا ۳: ۲۳ - ۲۸.
۱۵. انجیل متی ۱: ۱ - ۱۸ - ۲۵.
۱۶. انجیل لوقا: ۲۴ - ۲۸.
۱۷. انجیل متی ۱: ۱۳ - ۵۶.
۱۸. انجیل یوحنا ۷: ۵۷.
۱۹. انجیل لوقا ۲: ۲۵ - ۳۲.
۲۰. همان، ۲: ۲۱ - ۴۰.
۲۱. همان، ۲: ۵۳.
۲۲. البته در این باره دیدگاه‌های مختلفی از سوی مفسران شیعه و سنی ارائه شده است. به عنوان مثال مفسران شیعی از جمله مرحوم شیخ مفید (تفسیر القرآن المجید، ج ۱، ص ۳۴۷)، مرحوم طبرسی (جوامع الجامع، ج ۲، ص ۳۹۳)، ابوالفتوح رازی (روض الجنان، ج ۱۲، ص ۷۵) مرحوم علامه طباطبایی (المیزان، ج ۱۴، ص ۴۷) سید علی اکبر قرشی (الحسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۱۸) و فخر رازی (مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۳۴) از اهل سنت، قائل به نبوت عیسی علیہ السلام در کودکی هستند. از سوی دیگر مفسرانی از شیعه همچون محمدجواد مغنیه (تفسیر کاشف، ج ۵، ص ۱۷۹) و تفسیر مبسوط، ج ۱، ص ۳۹۹، سیدمحمدحسین فضل‌الله (من وحی القرآن، ج ۱، ص ۴۰) یعقوب جعفری (تفسیر کوثر، ج ۱، ص ۵۱۲) به همراه مراغی (تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۶) از اهل سنت قائل به نبوت عیسی علیہ السلام در بزرگسالی شده‌اند و حتی این شهر آشوب مازندرانی مدعی است که امامیه نیز بر همین نظر است (متشابه القرآن و

- مختلفه، ج ۱، ص ۲۵۸).
۲۳. مریم (۱۹): ۲۰ و ۲۱.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، همان، ج ۱، ص ۱۴ و فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۱۸.
۲۵. بقره (۲): ۲۵۳.
۲۶. مائده (۵): ۲۶.
۲۷. همان: ۱۷.
۲۸. همان: ۲۲.
۲۹. همان: ۲۳.
۳۰. نساء (۴): ۱۷۱.
۳۱. مائده (۵): ۱۱۶.
۳۲. بقره (۲): ۸۷ و ۲۵۳ و مائده (۵): ۱۱۰.
۳۳. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۴۰ و فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۹۶ و میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۶۵ و ابن کثیر، تفسیر القرآن المظیم، ج ۱، ص ۲۱۶ و الوسی، سید محمود روح المعانی، ج ۱، ص ۳۱۶ و طنطاوی، سیدمحمد، التفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۱۹۶.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳۹.
۳۵. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۶۵.
۳۶. اصول کافی، ج ۸، ص ۱۰۲.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۳۸. آل عمران (۳): ۴۹.
۳۹. مائده (۵): ۱۱۰.
۴۰. همان: ۱۱۵ - ۱۱۲.
۴۱. آل عمران (۳): ۵۱.
۴۲. همان: ۵۲.
۴۳. مائده (۵): ۲۶.
۴۴. صف (۶۱): ۶.
۴۵. انجیل لوقا ۳: ۳۳.
۴۶. همان.
۴۷. انجیل مرقس ۱: ۹ - ۱۴ و انجیل لوقا ۳: ۲۲.
۴۸. انجیل متی، ۹: ۱۸ - ۲۶.
۴۹. همان، ۹: ۲۸ - ۳۳ و ۸: ۱ - ۳.
۵۰. همان، ۸: ۲۳ - ۲۶.
۵۱. همان، ۱۴: ۱۹ - ۲۱.
۵۲. همان، ۱۴: ۲۶.
۵۳. همان، ۲۱: ۱۹.
۵۴. انجیل یوحنا ۲: ۱ - ۱۰.
۵۵. نساء (۴): ۱۵۷ و ۱۵۸.
۵۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، همان، ج ۵، ص ۱۳۲.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۷.
۵۸. نساء (۴): ۱۵۷ و ۱۵۸.
۵۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، همان، ج ۵، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
۶۰. آل عمران (۳): ۵۵.
۶۱. امام (۶): ۶۰.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۲، ص ۵۶۹.
۶۳. انجیل متی ۲۸: ۱۸ و ۱۹.
۶۴. انجیل مرقس ۱۶: ۱۵ - ۱۹.

* خانم جمیله براتیان متولد افغانستان است که پس از طی دوره عمومی (کرتسی) جامعه الزهرا فقط هم اکنون در رشته تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) مشغول به تحصیل می‌باشد.

